

تأثیر توانایی مدیریت در کنترل بحران مالی درون سازمانی و احتمال گزارشگری متقلبانه

علی کارشناسان

استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه گنبدکاووس، ایران.
ali.karshenasan@gmail.com

رضا ممشلی

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه سمنان، ایران. (نویسنده مسئول)
acc_mamashli@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۲/۰۱

چکیده

با بروز بحران‌های مالی در سالهای اخیر، شرکتها با فشار رقابتی زیادی جهت بهبود عملکرد مواجه شدند. پژوهش حاضر با بررسی اثر توانایی مدیریت بر کنترل بحران مالی درون سازمانی در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ در پی پاسخ به این سؤال است که آیا مدیران شرکتها توانایی هدایت و کنترل بحران مالی را دارند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا ممکن است مدیران بوسیله گزارشگری متقلبانه فقط تظاهر به بهبود عملکرد و خارج شدن از بحران مالی کرده باشند؟ نمونه آماری این پژوهش شامل ۱۷۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که به شرط دارا بودن شرایط پژوهش انتخاب شدند. معیار وجود بحران مالی در یک شرکت وجود حداقل یکی از سه معیار، کسب سه سال متوالی زیان (زیان عملیاتی، زیان خالص یا زیان انباشته)؛ کاهش سود تقسیمی هر سال نسبت به سال قبل به میزان بیش از ۴۰ درصد و مضمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت بودن شرکت‌های مورد بررسی می‌باشد. نتایج پژوهش با استفاده از الگوی رگرسیون چند متغیره نشان داد در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین توانایی مدیریت و شدت بحران مالی درون سازمانی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. در واقع، نتیجه فرضیه اول پژوهش حاکی از توانی مدیران در حل مشکل پدیده بحران مالی درون سازمانی بود. نتایج فرضیه دوم و سوم پژوهش نشان داد که مدیران برای برون رفت از وضعیت بحران مالی اقدام به گزارشگری خدعه‌آمیز نکرده‌اند و فقط به مدیریت سود آن هم در چارچوب اصول حسابداری دست زده‌اند.

واژه‌های کلیدی: توانایی مدیریت، بحران مالی، احتمال تقلب، مدیریت سود.

۱- مقدمه

در عصر جدید و در هزاره سوم بحران‌ها، واقعیتی جدایی ناپذیر از ماهیت درونی سازمان‌ها گردیده‌اند (سام و همکاران، ۱۳۹۱). با این حال، بحران‌های مالی موضوعات جدیدی نیستند و هر شرکتی بنا به دلایلی با بحران مالی مواجه می‌شوند (آشتاب و همکاران، ۱۳۹۶). اگر سازمان را به یک پرنده تشبیه کنیم، واحدهای مختلف مالی، فروش و مدیریت به ترتیب نقش چشم، بال و مغز را ایفا می‌کنند. یک سازمان اگر چشم‌انداز درستی از موفقیت‌ها و موانع پیش‌رو نداشته باشد نمی‌داند که چه موقع باید اوج بگیرد. به همین خاطر است که با توسعه بازارهای مالی و متعاقب آن حاکم شدن وضعیت رقابتی، بسیاری از شرکتها دچار بحران مالی شده و نهایتاً با ورشکستگی به ناچار از گردونه رقابت خارج می‌شوند (شریعت پناهی و سهرابی، ۱۳۸۵). همانطور که گفته شد مدیران نقش کلیدی در سازمان دارند و توانایی آنها تأثیر بسزایی در اثربخشی و کارایی شرکتها دارد. توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکتها است که به‌عنوان دارایی نامشهود طبقه‌بندی می‌شود که بالارفتن آن می‌تواند منجر به مدیریت کارا تر عملیات روزانه شرکت شود، خصوصاً در دوره‌های بحرانی عملیات، که تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد. افزون بر آن، در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبه‌روست، مدیران توانا تر تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت (حسنی القار و شعری، ۱۳۹۶).

با مرور ادبیات نظری و تجربی در حوزه کیفیت گزارشگری مالی، مشاهده می‌شود که تا حد زیادی تمرکز بر روی ویژگی‌های خاص شرکت و استقلال هیئت مدیره بوده است، در حالیکه توانایی مدیریت نیز می‌تواند به عنوان یک عامل اثر گذار روی کیفیت گزارشگری مالی مطرح باشد که بهتر است از ابعاد مختلف در ادبیات تجربی مورد بررسی قرار گیرد. از یک دیدگاه و بنا بر مدل ارائه شده دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، توانایی مدیریت رابطه مثبتی با گزارشگری متقلبانانه داشته و مدیران توانا تر با مدیریت سود از طریق اقدام تعهدی به کاهش کیفیت گزارشگری دست می‌زنند. از سوی دیگر ایشان تأکید دارند که پیامدهای منفی مدیریت سود در میان مدیران توانا تر بطور نسبی کمتر می‌باشد. فلذا نگاه چند وجهی به موضوع توانایی مدیران در گزارشگری متقلبانانه و از سوی دیگر در کنترل‌های داخلی در قالب مطالعات تجربی و نحوه مواجهه نهاد های ناظر بازار های سرمایه با موضوع بسیار ضرورت می‌یابد. بنابراین توانایی‌ها و مهارت‌های تکنیکی و ارتباطی و اجتماعی و تسلط بر شرایط بازار ها و اقتصاد کلان می‌تواند مدیران را با

انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری سود آور تر به افزایش کیفیت گزارشگری مالی هدایت نماید در حالیکه مدیران توانمند تحت فشارهای نقدینگی و فشار های مالی می‌تواند به مدیریت اقدام تعهدی و کاستن از کیفیت گزارشگری مالی بالاخص با نقصان نهاد های ناظر بازار و جریمه های اندک کاستن از شفافیت صورت های مالی بنگاه‌ها هدایت نماید.

با این حال، مدیران شرکت‌هایی که با بحران مالی مواجه شده‌اند، بدلیل کاهش سودآوری و در نتیجه کاهش قیمت سهام و پاداش خود، انگیزه‌های بالایی برای استفاده از اقدام تعهدی اختیاری و دستکاری سود دارند (ابراهیمی و بهرامی و ممشلی، ۱۳۹۵). بنابراین، گرایش به سقوط اخلاق حرفه‌ای در مدیران شرکت‌هایی که با بحران مالی روبه‌رو هستند و در شرایط نابسامانی قرار دارند افزایش می‌یابد. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که آیا مدیران شرکتها توانایی هدایت و کنترل بحران مالی را دارند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا ممکن است مدیران برای تظاهر به خارج شدن از بحران مالی دچار سقوط اخلاق حرفه‌ای شوند و به گزارشگری متقلبانانه روی آورند؟

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

• توانایی مدیریت

در ادبیات حسابداری، توانایی مدیریت یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکتها است که به‌عنوان دارایی نامشهود طبقه‌بندی می‌شود. به‌عنوان مثال، دمیرجیان، لئو و مک‌کوی (۲۰۱۲)، (۲۰۱۳) توانایی مدیریت را به‌عنوان کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. این منابع تولید درآمد در شرکتها شامل بهای موجودی‌ها، هزینه‌های اداری و توزیع و فروش، دارایی‌های ثابت، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود شرکت می‌شود (حسنی القار و شعری، ۱۳۹۶). توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کارا تر عملیات روزانه شرکت، به‌ویژه در دوره‌های بحرانی عملیات گردد و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد. در دوره‌ای که شرکت با بحران روبه‌رو است، مدیران توانا تر، تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت (علی نژاد و تارفی، ۱۳۹۶).

• بحران مالی درون سازمانی

هنگامی که مجموعه شرایط خاصی، روال متداول و پیش‌بینی شده جریان کار، فعالیت، تولید، خدمت رسانی، زندگی، ارتباطات، تامین نیازهای عمومی، سلامت، محیط زیست و یا افکار عمومی را به یکباره تغییر می‌دهد، در این حالت شرایط بحرانی بروز کرده است (تن برگ، ۲۰۰۷). در این خصوص واژه بحران مالی به وضعیتی اطلاق می‌شود که درصد قابل توجهی از ارزش برخی دارایی‌ها به‌صورت غیرمنتظره از دست برود (سالم و خطیبی، ۱۳۹۴). دلایل بروز بحران مالی و در نهایت ورشکستگی را می‌توان به طور کلی به دو دسته دلایل درون سازمانی و برون سازمانی تقسیم نمود. دلایل برون سازمانی عبارتند از: ویژگی‌های سیستم اقتصادی، رقابت، تغییرات در تجارت و بهبودها و انتقالات در تقاضای عمومی، نوسانات تجاری، تأمین مالی و تصادفات. عوامل درون سازمانی ورشکستگی واحدهای تجاری عواملی هستند که واحد تجاری می‌تواند با انجام اقدامات مناسب، از آنها جلوگیری کند. اغلب این عوامل ناشی از تصمیم‌گیری غلط است و مسئولیت آنها را باید به طور مستقیم متوجه خود واحد تجاری دانست. این عوامل عبارتند از: اعطای بیش از حد اعتبار، مدیریت ناکار، سرمایه ناکافی، خیانت و تقلب (خواجوی و امیری، ۱۳۹۲).

• توانایی مدیریت و بحران مالی

پژوهش و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد بحران‌ها نفساً تعیین کننده میزان خسارت نیستند بلکه پاسخ مسئولان به بحران است که میزان خسارتهای وارده را تعیین می‌کند. شاید به نظر غیرعادی برسد اما واقعیت این است که برنامه ریزی و مدیریت ناصحیح بحران مرتباً دامنه خسارات را گسترده و میزان خسارت را افزایش می‌دهد. به همین دلیل است که اکنون برنامه‌ریزی و مدیریت بحران تا این اندازه اهمیت یافته است. اما مدیریت بحران دقیقاً به معنای سوق دادن هدفمند جریان پیشرفت امور به روالی قابل کنترل، انتظار برگشتن امور در اسرع وقت به شرایط قبل از بحران است. این یکی از دام‌هایی است که معمولاً از بیرون به مسئولین مدیریت بحران فشار می‌آورد و خود یکی از مهمترین عوامل تصمیم‌گیری‌های غلط و گسترش دامنه بحران محسوب می‌شود. مدیریت بحران از سه فاز کاملاً مجزا تشکیل می‌شود، نخست پیش‌بینی/پیشگیری، دوم برنامه‌ریزی/آموزش، و سوم هدایت/کنترل. بنابراین، مواقعی که بحران رخ داده است کار زیادی جز هدایت و کنترل نمی‌شود انجام داد و مهمترین

اقدامات در این زمان اتخاذ تصمیم‌های صحیح است. از دیدگاه مدیریت، برای اتخاذ تصمیم صحیح، به داده‌ها، اطلاعات، امکان پردازش و تحلیل نیاز داریم اما متأسفانه منابع اصلی همه این موارد تنها قبل از بروز بحران در اختیار ما می‌باشد و اگر دو مرحله قبلی یعنی پیش‌بینی/پیشگیری، برنامه‌ریزی/آموزش را انجام نداده باشیم، شاهد بروز بحران جدیدی در دل بحران رخ داده، خواهیم بود که مرتباً با تصمیم‌های عجولانه و نسجیده نه تنها بر وخامت اوضاع می‌افزاییم بلکه بحران‌های جدیدی می‌آفرینیم که حتی قابل شناسایی نیستند و فقط عوارض ناشی از آنها مرتباً در کنترل بحران اصلی خلل ایجاد می‌کند (تن برگ، ۲۰۰۷).

نتایج مطالعات فراوانی نشان می‌دهد که مدیران در برخورد با تقلب واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهند. برخی مدیران با افزایش سطح توانایی‌های خود و در شرایط سخت مالی ممکن است دچار سقوط اخلاق حرفه‌ای شده و به گزارشگری متقلبانه روی آورند. این دسته از مدیران، گزارشگری متقلبانه را راهی برای خروج از وضعیت بحرانی تلقی کنند. برای مثال، مدیران شرکت‌هایی که با بحران مالی مواجه شده‌اند، بدلیل کاهش سودآوری و در نتیجه کاهش قیمت سهام و پاداش خود، انگیزه‌های بالایی برای استفاده از اقدام تعهدی اختیاری و دستکاری سود دارند، انجام چنین اعمالی منجر به کاهش کیفیت سود و کاهش کیفیت اطلاعات مالی می‌گردد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵).

از سویی دیگر برخی مطالعات نشان می‌دهد توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کارا تر عملیات روزانه شرکت، به‌ویژه در دوره‌های بحرانی عملیات گردد و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد. در دوره‌ای که شرکت با بحران روبه‌رو است، مدیران توانا تر، تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت (علی نژاد و تارفی، ۱۳۹۶).

اما در حالت کلی، انتظار بر این است که با افزایش توانایی مدیریت، ارزش بنگاه‌های اقتصادی بیشتر شود. مدیران دارای توانایی بالا، قدرت درک بهتری از شرایط داخلی و خارجی شرکت در کنار هم دارند و با احتمال بیشتری در طرح‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که ارزش فعلی خالص مثبت بالاتری دارد و همچنین توانایی بهتر و بیشتری در اجرای مناسب آن خواهند داشت. در نتیجه قدرت تأمین مالی بیشتر و با نرخ‌های کمتر و دوره طولانی‌تری را دارند چرا که در این شرایط انتظار بر این است که هزینه ورشکستگی و ریسک عدم پرداخت بدهی کمتر باشد (علی نژاد و تارفی، ۱۳۹۶).

• توانایی مدیریت و احتمال گزارشگری متقلبانه

در سال‌های اخیر، بازارهای مالی ایالت متحده با افشای متعدد اعمال متقلبانه برخی شرکتها به طور جدی متضرر شده‌اند. ورلدکام، انرون، آدلفیا، گلوبال کروسینگ و تیکو فقط تعداد اندکی از رسواییهای صورت‌های مالی هستند که بازار سهام را دچار نوسان کرده و باعث سلب اعتماد عمومی شده‌اند. از سوی دیگر این رسوایی‌ها زبان‌های جبران ناپذیر بر سرمایه‌گذاران وارد آورده و توان رقابت آن‌ها را از میان برده است. بسیاری از این رسوایی‌ها به پس‌انداز افراد، مزایای بازنشستگی، آموزش دانشگاهی و امنیت آینده آنها نیز زبان زده است. اما به‌جز این گروه‌ها، مدیران و سایر کارکنان، وکیلان، حسابرسان و حسابداران نیز هر کدام به‌نحوی از این تقلب‌ها آسیب دیده‌اند (وکیلی فرد، جبارزاده کنگرلوئی و پوررضا، ۱۳۸۸).

پس از رسوایی‌های مالی اخیر در شرکت‌های نظیر انرون و ورلدکام، حجم وسیعی از ادبیات جدید در حوزه کیفیت سود و پدیده مدیریت سود ایجاد شد. مدیریت سود مجموعه اقدام‌هایی است که به‌وسیله مدیران به منظور آراستن اطلاعات منعکس در صورت‌های مالی و گزارشگری سود در سطح مورد نظر برای دستیابی به هدف‌هایی خاص انجام می‌شود. مدیریت سود، گزینش سیاست‌های حسابداری یا فعالیت‌های واقعی تأثیرگذار بر سود است تا شرکت از این طریق به هدف‌های ویژه گزارشگری سود دست یابد. برخی از محققان ادعان داشته‌اند که هیچ‌گونه خطا و اشتباهی در مدیریت سود وجود ندارد؛ چراکه در محدوده اصول و استانداردهای حسابداری قرار دارد. با این حال، برخی دیگر بر این باورند که مدیریت سود نه‌تنها یک عمل غیر اخلاقی، بلکه شکل دیگری از تقلب در گزارشگری مالی است (شمسای، ۱۳۹۲).

در مواقعی که واحدهای تجاری به لحاظ اقتصادی دچار نوسان می‌شوند و تحت فشارهای جنبی قرار می‌گیرند. مدیران برای سامان بخشیدن به اوضاع شرکت به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تلاش می‌کنند تا رقم سود منعکس شده در صورت‌های مالی را تحت تأثیر قرار دهند و موجب مثبت شدن نگاه استفاده‌کنندگان صورتهای مالی و به ویژه سرمایه‌گذاران شوند. مجموعه این اقدام‌ها به مدیریت سود تعبیر می‌شود که دارای جوانب مثبت و منفی است. جنبه مثبت مدیریت سود شامل فعالیت‌هایی است که در چارچوب قوانین حرفه‌ای قرار می‌گیرد. این در حالی است که جنبه منفی مدیریت سود می‌تواند جامعه فریب آمیزی بر تن کند و منجر به تقلب و گزارشگری خدعه‌آمیز شود (شمسای، ۱۳۹۲).

۲-۱- پیشینه پژوهش

وانگ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان "توانایی مدیریتی، ارتباطات سیاسی و گزارشگری متقلبانه در چین" که در نشریه حسابداری و سیاست عمومی به چاپ رسیده است، تلاش می‌کنند رابطه بین متغیرهای فوق را در فرضیه‌ای علمی بررسی کنند. با استفاده از اطلاعات شرکت‌های سهامی در چین برای دوره ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۲، ایشان دریافتند که اولاً افزایش توانایی مدیریتی منجر به کاهش گزارشگری مالی متقلبانه می‌گردد و ثانیاً، ارتباطات سیاسی بنگاهها می‌تواند تأثیر توانایی مدیریتی بر احتمال صورت‌های مالی متقلبانه را محدود یا تضعیف نماید. نهایتاً بنگاههای با مدیران با ظرفیت در مقایسه با بنگاههایی که چنین مدیران لایقی نداشته باشند، با جریمه‌های کمتری توسط نهاد‌های نظارتی مواجه می‌گردند.

دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳)، به مطالعه چگونگی تأثیر توانایی مدیریت بر تحریف عمدی صورت‌های مالی پرداختند، یافته‌های ایشان حاکی است که به طور متوسط مدیران با توانایی بالاتر به احتمال بیشتری از مدیریت سود‌های اقلام تعهدی استفاده می‌کنند و همچنین دریافتند که پیامدهای منفی مدیریت سود در میان مدیران با توانایی بیشتر کاهش می‌یابد.

دلخوش و فرخی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی نقش توانایی مدیریت در پیش‌بینی بحران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. بدین منظور داده‌های ۱۲۲ شرکت طی دوره ۱۳۸۸-۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد بین توانایی مدیریت در سال جاری با پیش‌بینی بحران مالی در سال آتی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

ابراهیمی کردلو و نوراله رحمانی (۱۳۹۵)، در مقاله بررسی توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران، با تحلیل اطلاعات مالی ۱۰۲ شرکت پذیرفته شده بورس اوراق بهادار طی دوره ۱۳۸۵ الی ۱۳۸۹ رابطه منفی معنی‌داری بین متغیر توانایی مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی را گزارش کردند که با یافته‌های دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲) سازگاری ندارد، ضمناً ایشان با در نظر گرفتن تأثیر متغیر (اندازه حسابرس) بر متغیرهای مستقل و کنترلی، دریافتند که توانایی مدیریت با کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت دارد.

منصورفر، دیدار و حسین‌پور (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آنها کیفیت سود را

۴- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، از جهت همبستگی و روش‌شناسی تحقیق، از نوع شبه تجربی و پس‌رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با اطلاعات واقعی صورت می‌گیرد و چون می‌تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد نوعی تحقیق کاربردی است. همچنین این پژوهش مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام، صورتهای مالی، یادداشت‌های همراه صورتهای مالی و گزارش مجامع شرکت‌هاست. در این پژوهش داده‌های لازم از لوح فشرده ره‌آورد نوین جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار Eviews انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ در نظر گرفته شدند. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری حذفی استفاده شده است و کلیه شرکتهایی که شرایط زیر را دارا باشند مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. شایان ذکر است، پس از اعمال محدودیت‌های فوق، ۱۷۳ شرکت انتخاب شدند که در قالب جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- روش انتخاب نمونه

ردیف	تعداد شرکتهای
۱	کل شرکتهایی که تا پایان سال ۱۳۹۴ عضو بورس بودند. (۴۸۸)
۲	شرکتهایی که طی سال ۱۳۸۸-۱۳۹۴ از بورس حذف شده یا وقفه طولانی داشتند. (۱۴۳)
۳	شرکتهایی که از نوع تأمین‌کننده مالی، سرمایه‌گذاری و بیمه بودند. (۷۸)
۲	شرکتهایی که دوره مالی آنها پایان اسفندماه نبود. (۶۹)
۵	شرکتهایی که در دوره بررسی (۱۳۸۸-۱۳۹۴) تغییر سال مالی داشتند. (۱۰)
۶	شرکتهایی که اطلاعات مالی آنها در دسترس نبود. (۱۵)
	تعداد شرکتهای انتخاب شده ۱۷۳

۵- مدل‌های پژوهش

مدل رگرسیون فرضیه‌های پژوهش به شرح رابطه‌های زیر است:

$$CRISIS_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MA_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 OCF_{it} + \alpha_6 AGE_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 BOI_{it} + \alpha_9 SRC_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۱) \text{ رابطه}$$

با استفاده از سه معیار تجدید ارائه سود، پایداری سود و کیفیت اقلام تعهدی اندازه گرفتند. نتایج پژوهش نشان داد توانایی مدیریت تأثیر مثبت و معناداری بر پایداری سود و کیفیت اقلام تعهدی دارد و با تجدید ارائه سود رابطه‌ای ندارد.

سپاسی و همکاران (۱۳۹۴)، با مطالعه تأثیر توانایی مدیریت بر تجدید ارائه صورت‌های مالی با تأکید بر انگیزه‌های فرصت طلبانه، به تحلیل این موضوع می‌پردازد که در حقیقت تجدید ارائه صورت‌های مالی به صورت صریح و شفاف حکایت از قابل اتکا نبودن صورت‌های مالی گذشته و پایین بودن کیفیت گزارشگری دارد. با استفاده از اطلاعات شرکتهایی که اقدام به تجدید ارائه صورت‌های مالی نموده بودند، در قالب دو نمونه فرصت طلبانه و غیر فرصت طلبانه و با بکارگیری رگرسیون توبیت و رگرسیون چند گانه به این نتیجه دست یافتند که فقط هنگامی بین توانایی مدیریت و تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه معنی دار وجود دارد که نوع رفتار، فرصت طلبانه باشد و در انواع مختلف رفتار غیر فرصت طلبانه رابطه معنی داری وجود ندارد.

بزرگ زاده و صالح زاده (۱۳۹۴)، با مطالعه رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، در اندازه‌گیری توانایی مدیریت از مدل دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲) و پایداری سود و اجزای آن از مدل لو استفاده کردند. یافته‌های ایشان نشان می‌دهد رابطه مثبتی بین توانایی مدیریت و پایداری سود و همچنین توانایی مدیریت و پایداری اجزای تعهدی و نقدی سود است، ولی رابطه بین توانایی مدیریت و پایداری بخش تعهدی نسبت به بخش نقدی قوی‌تر است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پژوهش و پیشینه تحقیق، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شوند:

فرضیه اول: توانایی مدیریت اثر معناداری بر کنترل بحران مالی درون سازمانی دارد.

فرضیه دوم: توانایی مدیریت اثر معناداری بر احتمال وقوع تقلب دارد.

فرضیه سوم: توانایی مدیریت اثر معناداری بر مدیریت سود دارد.

ردیف	سال - شرکت
	از ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده باشد
۳	مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت باشد (۱۳۵)
	مشاهدات مشترک در بین شروط (۲۲۱)
	مجموع مشاهدات بحرانی مالی ۳۴۳

۶-۱-۲- احتمال تقلب (PROBM):

متغیر وابسته در فرضیه‌های پژوهش، احتمال تقلب می‌باشد که به پیروی از پژوهش انجام شده توسط کردستانی و تاتلی (۱۳۹۵) برای اندازه‌گیری احتمال تقلب از مدل بنیشت (۱۹۹۹) به شرح رابطه ۵ استفاده می‌شود:

بنیشت به شرکت‌های دستکاری کننده سود عدد ۱ و شرکت‌های غیر دستکاری کننده، عدد صفر، اختصاص داد. نقطه انقطاع این مدل ۱/۷۸- می‌باشد. بنابراین، اگر مقدار PROBM بیشتر از ۱/۷۸- باشد، به احتمال زیاد شرکت دستکاری کننده سود است (کردستانی و تاتلی، ۱۳۹۵).

که PROBM، احتمال دستکاری سود یا به عبارتی احتمال تقلب می‌باشد و شامل ۸ متغیر است که با استفاده از اطلاعات صورتهای مالی به صورت زیر محاسبه می‌شوند (کردستانی و تاتلی، ۱۳۹۵):

۱) شاخص DSRI: این شاخص نشان دهنده این است که مطالبات و درآمدها، در دو دوره متوالی با یکدیگر همخوانی ندارد. افزایش بسیار زیاد در فروش‌های شرکت نشان دهنده تغییر در سیاست‌های اعتباری شرکت است در این رابطه REC میزان مطالبات و SALES میزان فروش می‌باشد.

$$DSRI = \frac{REC_t / SALES_t}{REC_{t-1} / SALES_{t-1}} \quad \text{رابطه ۴}$$

۲) شاخص GMI: شاخص حاشیه سود ناخالص (GMI)، از رابطه ۶ به دست می‌آید. اگر GMI بزرگ‌تر از ۱ باشد، حاشیه ناخالص بسیار تنزل یافته است. ضعیف شدن حاشیه سود ناخالص به معنای علامت منفی از چشم‌انداز شرکت است و احتمال دستکاری سود افزایش می‌یابد در این رابطه COG بهای تمام شده کالای فروش رفته است.

$$GMI = \frac{[SALES_{t-1} - COG_{t-1}] / SALES_{t-1}}{[SALES_t - COG_t] / SALES_t} \quad \text{رابطه ۵}$$

۳) شاخص AQI: شاخص کیفیت دارایی می‌باشد. اگر این شاخص بزرگ‌تر از ۱ باشد، شرکت به طور بالقوه هزینه‌های

$$PROBM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MA_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 OCF_{it} + \alpha_6 AGE_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 BOI_{it} + \alpha_9 SRC_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۲}$$

$$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MA_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 OCF_{it} + \alpha_6 AGE_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 BOI_{it} + \alpha_9 SRC_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۳}$$

که در این رابطه‌ها، CRISIS معرف بحران مالی، MA توانایی مدیریت، OLEV اهرم مالی، SIZE اندازه شرکت، GROWTH رشد فروش، OCF وجه نقد عملیاتی، AGE سن شرکت، IO مالکیت نهادی، BOI استقلال هیئت مدیره، SRC سهامدار دارای حق کنترل، PROBM احتمال تقلب، EM مدیریت سود و ε جزء خطا است.

۶- نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

۱-۱-۶- متغیرهای وابسته پژوهش

۱-۱-۶- بحران مالی (CRISIS):

در این پژوهش معیار وجود بحران مالی در یک شرکت شامل سه مورد زیر است. (اعتمادی، عبدلی، ۱۳۹۴؛ اعتمادی و عبدلی، ۱۳۹۵؛ ابراهیمی، بهرامی‌نسب و ممشلی، ۱۳۹۵؛ ابراهیمی، بهرامی‌نسب و ممشلی، ۱۳۹۶)

- کسب سه سال متوالی زیان (زیان عملیاتی، زیان خالص یا زیان انباشته) (جاننادهج، ۲۰۰۶)؛
- سود تقسیمی هر سال نسبت به سال قبل بیش از ۴۰ درصد کاهش پیدا کرده باشد (جاننادهج، ۲۰۰۶)؛
- مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت باشد. (بر اثر زیان‌های وارده حداقل ۵۰ درصد سرمایه شرکت از میان رفته باشد).

چنانچه شرکتی یکی از این سه شرط را داشته باشد، دارای بحران محسوب می‌شود. به شرکت‌هایی که دارای بحران مالی هستند مقدار ۱ و بقیه شرکت‌ها مقدار ۰ داده شده است.

جدول ۲- پراکندگی مشاهدات (سال - شرکت) بحران مالی

ردیف	سال - شرکت
۱	زیان مالی در سه سال متوالی (زیان عملیاتی، زیان خالص یا زیان انباشته)
۲	سود تقسیمی هر سال نسبت به سال قبل بیش

است که افزایش در بدهی‌ها، زمینه لازم برای سود و تقلب را ایجاد می‌نماید. بنابراین انتظار می‌رود رابطه مثبتی بین LEVI و تقلب وجود داشته باشد. در این رابطه LTD، جمع بدهی‌های بلندمدت و CL جمع بدهی‌های جاری است.

$$LVGI = \frac{[LTD_t + CL_t]/ASSETS_t}{[LTD_{t-1} + CL_{t-1}]/ASSETS_{t-1}} \quad \text{رابطه ۱۰}$$

۸) شاخص TATA: برای محاسبه این نسبت ارقام تعهدی (تفاوت بین سود عملیاتی و جریان نقدی) بر کل دارایی‌ها تقسیم شود و این نسبت برای هر سال محاسبه می‌شود. در این رابطه ACC، ارقام تعهدی می‌باشد.

$$TATA = \frac{ACC_t}{ASSETS_t} \quad \text{رابطه ۱۱}$$

۷-۱-۳- مدیریت سود (EM):

متغیر وابسته در فرضیه سوم پژوهش، مدیریت سود است که براساس ارقام تعهدی اختیاری طبق مدل جونز (۱۹۹۱) اندازه گیری می‌شود. ارقام تعهدی اختیاری ارقام قابل کنترلی هستند که مدیران با بکارگیری آن‌ها می‌توانند سودهای سال‌های آتی را به سنوات اخیر منظور نموده و به این ترتیب سبب افزایش سود سال‌های اخیر گردیده و در نتیجه پاداش خود را افزایش دهند. در مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱) ارقام تعهدی اختیاری معادل تفاوت بین ارقام تعهدی و ارقام غیر اختیاری می‌باشد که از طریق فرمول‌های زیر محاسبه می‌شوند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶):

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{i(t-1)}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{TA_{i(t-1)}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REV_{it}}{TA_{i(t-1)}} \right) + \beta_3 \left(\frac{PPE}{TA_{i(t-1)}} \right) + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه ۱۲}$$

مدل بالا به صورت مقطعی برآورد می‌شود و در آن، TAC_{it} نشان دهنده کل ارقام تعهدی، $TA_{i(t-1)}$ جمع دارایی‌های ابتدای سال، ΔREV_{it} تغییر در فروش کل، ΔREC_{it} تغییر در حسابهای دریافتی و PPE_{it} دارایی‌های ثابت و ε_{it} باقیمانده مدل است بیانگر ارقام تعهدی اختیاری (میزان مدیریت سود) است.

معوق و دارایی‌های نامشهود را افزایش داده است. بنابراین احتمال دستکاری سود (تقلب) افزایش می‌یابد. در این رابطه CA، جمع دارایی جاری، PPE، اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و ASSETS، مجموع دارایی‌هاست.

$$AQI = \frac{[1 - (CA_t + PPE_t)]/ASSETS_t}{[1 - (CA_{t-1} + PPE_{t-1})]/ASSETS_{t-1}} \quad \text{رابطه ۶}$$

۴) شاخص SGI: شاخص رشد فروش می‌باشد که به طور کلی افزایش این شاخص نشان دهنده تقلب و تحریف نمی‌باشد، اما مدیران شرکتهای بزرگ همواره تحت فشارهای زیادی در رابطه با تأمین مالی و افزایش قیمت سهام می‌باشند. در این شرکتهای در صورتی که رشد فروش منفی باشد، قیمت سهام کاهش یافته و هزینه‌های زیادی را برای مدیران ایجاد می‌نماید.

$$SGI = \frac{SALES_t}{SALES_{t-1}} \quad \text{رابطه ۷}$$

۵) شاخص DEPI: شاخص هزینه استهلاک می‌باشد. در صورتی که این نسبت بزرگتر از یک باشد نشان دهنده این است که هزینه استهلاک سال جاری نسبت به سال گذشته کاهش یافته است که این کار ممکن است از طریق افزایش در عمر مفید دارایی‌ها و یا تغییر در روشهای استهلاک انجام شده باشد، بنابراین انتظار رابطه مثبتی بین DEPI و احتمال تقلب وجود دارد. در این رابطه DEP، هزینه استهلاک است.

$$DEPI = \frac{DEP_{t-1}/PPE_{t-1}}{DEP_t/PPE_t} \quad \text{رابطه ۸}$$

۶) شاخص SGAI: افزایش این شاخص نشان دهنده کاهش بهره‌وری واحدهای اداری و فروش می‌باشد. به عبارت دیگر نوعی عدم تناسب بین هزینه‌های اداری و فروش با مبلغ فروش وجود دارد. در این رابطه، $SGA.EXP$ هزینه‌های عمومی، اداری و فروش می‌باشد.

$$SGAI = \frac{SGA.EXP_t/SALES_t}{SGA.EXP_{t-1}/SALES_{t-1}} \quad \text{رابطه ۹}$$

۷) شاخص LVGI: شاخص اهرم مالی می‌باشد. در صورتی که این نسبت بزرگتر از یک باشد میزان اهرم و استفاده از بدهی‌ها در سال جاری نسبت به سال قبل افزایش یافته

۲-۷- متغیر مستقل پژوهش

۱-۲-۷- توانایی مدیریت (MA):

در پژوهش حاضر، به منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت از مدل دم‌رجیان و همکاران (۲۰۱۲)، استفاده شده است. در این مدل، با استفاده از اندازه‌گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چند متغیره به‌عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه می‌شود (علی نژاد و تارقی، ۱۳۹۶).

به منظور اندازه‌گیری کارایی شرکت، دم‌رجیان و همکاران (۲۰۱۲)، از مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده کرده‌اند. مدل تحلیل پوششی داده‌ها، نوعی مدل آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خروجی، کاربرد دارد (بزرگ اصل و صالح زاده، ۱۳۹۴). در ارزیابی کارایی شرکت به وسیله تحلیل پوششی داده‌ها به هر شرکت در هر سال یک نمره کارایی بین صفر و ۱ نسبت می‌دهیم. حداکثر کارایی برابر با ۱ است و هرچه مقدار به دست آمده کمتر باشد، به آن معناست که کارایی شرکت پایین‌تر است (علی نژاد و تارقی، ۱۳۹۶).

رابطه ۱۳

$$TE_{it} = \frac{Sales_{it}}{\alpha_1 CoGS_{it} + \alpha_2 SG\&A_{it} + \alpha_3 NetPPE_{it} + \alpha_4 Intan_{it}}$$

در این الگو، TE معرف کارایی کل منابع شرکت، Sales فروش کل، CoGS بهای تمام شده کالای فروش رفته، SG&A هزینه‌های عمومی، اداری و فروش، NetPPE مانده خالص دارایی‌های ثابت مشهود، Intan خالص دارایی‌های نامشهود است.

هدف ما از محاسبه کارایی شرکت، اندازه‌گیری توانایی مدیریت است و از آنجا که در محاسبات مربوط به کارایی ویژگی‌های ذاتی شرکت نیز دخالت دارند، نمی‌توان توانایی مدیریت را به درستی اندازه‌گیری کرد زیرا متأثر از این ویژگی‌ها، بیشتر یا کمتر از مقدار واقعی محاسبه می‌شود (بزرگ اصل و صالح زاده، ۱۳۹۴).

دم‌رجیان و همکاران (۲۰۱۲) به منظور به دست آوردن توانایی مدیریت و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت الگویی ارائه داده‌اند. کارایی شرکت را به ۲ بخش جدا یعنی کارایی بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت، تقسیم کرده‌اند. آنان از الگوی شماره ۲ استفاده کرده‌اند که در آن "اندازه"

شرکت، سهم بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی "به‌عنوان ویژگی‌های ذاتی شرکت در نظر گرفته شده‌اند. هر کدام از این ۵ متغیر که ویژگی‌های ذاتی شرکت هستند، می‌توانند به مدیریت کمک کنند تا تصمیمات بهتری اتخاذ نمایند یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود نمایند. در مدل زیر که توسط دم‌رجیان و همکاران (۲۰۱۲) ارائه شده، این ۵ ویژگی کنترل شده‌اند (بزرگ اصل و صالح زاده، ۱۳۹۴).

رابطه ۱۴

$$TE_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 Size_{it} + \alpha_2 Market Share_{it} + \alpha_3 Free Cash Flow_{it} + \alpha_4 Age_{it} + \alpha_5 Foreign Currency_{it} + \varepsilon$$

که در آن:

Size اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی مجموع فروش شرکت؛

Market Share سهم بازار شرکت و برابر با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت؛

Free Cash Flow جریان نقد آزاد، متغیری دامی است اگر شرکتی جریان نقد مثبت داشته باشد، عدد یک، در غیر این صورت عدد صفر داده می‌شود. جریان نقدی آزاد به صورت زیر محاسبه می‌شود:

جریان نقد آزاد پرداختی = سود عملیاتی + استهلاک-مالیات پرداختی-هزینه بهره پرداختی-سود سهام پرداختی. (معادله بالا از راست به چپ می‌باشد)

Age سن شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سالهایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است؛

Foreign Currency صادرات شرکت، اگر شرکتی صادرات داشته باش، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد؛

در مدل بالا باقیمانده مدل (ε) نماینگر میزان توانایی مدیریت است.

۳-۷- متغیرهای کنترلی پژوهش

متغیرهای کنترلی و نحوه محاسبه آنها در جدول شماره سه ارائه گردیده است.

جدول ۳- نحوه محاسبه متغیرهای کنترلی پژوهش

نماد متغیر	نام متغیر	نحوه اندازه گیری	منبع
OLEV	اهرم مالی	از تقسیم بدهی های بلندمدت بر جمع دارایی ها محاسبه می شود	ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶)
SIZE	اندازه شرکت	از طریق لگاریتم فروش شرکت سنجیده می شود	ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵)
GROETH	رشد فروش	بر اساس تغییرات فروش سال جاری نسبت به سال قبل به دست می آید	ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵)
OCF	وجه نقد عملیاتی	از تقسیم وجه نقد عملیاتی دوره جاری به جمع دارایی های جاری محاسبه می شود	ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵)
AGE	سن شرکت	برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سالهایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است	علی نژاد و تارقی (۱۳۹۶)
IO	مالکیت نهادی	درصد مالکیت بانکها، بیمه، صندوق های بازنشستگی، شرکتهای سرمایه گذاری و شرکتهایی که فعالیت اصلی و تخصص آنها سرمایه گذاری است، در پایان سال محاسبه و منظور گردید	مشایخی و سیدی (۱۳۹۴)
BOI	استقلال هیئت مدیره	از تقسیم تعداد مدیران غیرموظف به مجموع مدیران حاصل می شود	علی نژاد و بحرینی (۱۳۹۲)
SRC	سهامدار دارای حق کنترل	در صورت عدم وجود سهامدار دارای حق کنترل، به آن شرکت عدد صفر و در غیر این صورت، عدد یک اختصاص می یابد.	صفرزاده (۱۳۹۲)

۸- یافته های پژوهش

۸-۱- آمار توصیفی و همبستگی متغیرها

به منظور آشنایی بیشتر با نمونه آماری و متغیرهای مورد مطالعه، خلاصه وضعیت آمار توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه شده است. جدول ۳ نمای کلی آمار توصیفی متغیرها را نشان می دهد. با توجه به جدول ۴، میانگین متغیر بحران مالی ۰/۳۵ به دست آمده است که با توجه به مجازی بودن این متغیر و داشتن ارزش های صفر و یک (عدد ۱ برای مشاهده بحران مالی است و عدد صفر برای حالتی است که در مشاهده

بحران مالی وجود ندارد)، می توان گفت در ۳۵ درصد مشاهدات بحران مالی وجود دارد یعنی تعداد ۳۰۲ مشاهده (سال - شرکت) در بین مجموع مشاهدات دارای بحران مالی هستند. صفر بودن میانه به این معناست که بیشتر مشاهدات و حتی شرکتها در حالت عدم بحران مالی به سر می برند. مقدار انحراف معیار برای این متغیر ۰/۴۸ به دست آمد که نشان می دهد متوسط نوسان از میانگین داده ها برای این متغیر برابر با ۰/۴۸ است.

جدول ۴- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نماد متغیر	نام متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
CRISIS	بحران مالی	۰/۳۹۷	۰	۱	۰	۰/۴۸۹
PROBM	احتمال تقلب	۰/۳۵۳	۰	۱	۰	۰/۴۷۸
EM	مدیریت سود	-۰/۰۰۱	-۰/۰۰۳	۰/۶۱۲	-۰/۶۴۱	۰/۱۱۶
MA	توانایی مدیریت	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۳۳۲	-۰/۲۵۳	۰/۰۷۱
OLEV	اهرم مالی	۰/۱۰۶	۰/۰۵۲	۱/۳۷۲	۰	۰/۱۴۴
SIZE	اندازه شرکت	۱۳/۵۵	۱۳/۴۹	۱۹/۷۲	۸/۹۰۰	۱/۶۵۲
GROWTH	رشد فروش	۰/۱۷۸	۰/۱۳۸	۲/۷۴۲	-۰/۸۶۹	۰/۴۲۲
OCF	وجه نقد عملیاتی	۰/۱۱۲	۰/۰۹۹	۰/۶۴۲	-۰/۳۳۶	۰/۱۲۹
EXPORT	صادرات	۰/۶۱۴	۱	۱	۰	۰/۴۸۷
IO	مالکیت نهادی	۷۱/۹۵	۷۵/۳۵	۹۹/۴۵	۰	۱۹/۶۸
SRC	سهامدار دارای حق کنترل	۰/۴۸۴	۰	۱	۰	۰/۵۰۰
BOI	استقلال هیئت مدیره	۰/۶۶۹	۰/۶	۱	۰	۰/۱۹۴
AGE	سن شرکت	۲/۶۶۸	۲/۷۷۳	۳/۸۷۱	۰	۰/۵۴۳

۸-۲- آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

برای بررسی پایایی متغیرها، از آزمون هادری استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری هر یک از آزمون‌ها، در سطح ۹۵ درصد، می‌توان گفت متغیرهای مستقل و کنترلی طی دوره پژوهش پایا بوده‌اند.

در مدل رگرسیون، چنانچه همبستگی بین متغیرهای مستقل زیاد باشد، ممکن است به مخدوش شدن نتایج منجر شود. منظور از همبستگی زیاد، همبستگی بیش از ۰/۵۰ است. همان‌گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، بین متغیرها همبستگی بیشتر از ۰/۵۰ وجود ندارد.

۸-۳- آزمون پنل^۴ یا پول‌بودن^۵ داده‌ها

برای آزمون داده‌ها، ابتدا باید پنل یا پول‌بودن داده‌ها را تشخیص دهیم. برای این کار آزمون اف. لیمر اجرا می‌شود. اگر در این آزمون، سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد، داده‌ها پنل (تابلویی) محسوب می‌شوند و در غیر این صورت پول (ترکیبی) هستند. بعد از مشخص شدن نوع داده‌ها باید اثرهای ثابت و تصادفی بودن آنها مشخص شود. برای این کار نیز آزمون هاسمن اجرا می‌شود، در این آزمون اگر سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد، اثرها ثابت‌اند و در غیر این صورت تصادفی محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه متغیر وابسته در فرضیه اول و دوم یک متغیر مجازی (صفر یا یک) است بنابراین، از رگرسیون لجستیک در این دو فرضیه استفاده شده است که دیگر بحث اثرات ثابت و تصادفی کلا منتفی است و فقط فرضیه سوم پژوهش نیازمند این آزمون می‌باشد.

جدول ۵- نتایج آزمون مانایی

نام متغیر	علامت اختصاری	سطح معناداری	آماره	نتیجه آزمون‌ها
مدیریت سود	EM	۰/۰۰۰	۱۹/۵۹	مانا
توانایی مدیریت	MA	۰/۰۰۰	۲۰/۱۱	مانا
اهرم مالی	OLEV	۰/۰۰۰	۱۷/۱۶	مانا
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۰	۲۱/۳۹	مانا
رشد فروش	GROWTH	۰/۰۰۰	۱۹/۹۵	مانا
وجه‌نقد عملیاتی	OCF	۰/۰۰۰	۱۹/۲۸	مانا
مالکیت نهادی	IO	۰/۰۰۰	۲۴/۰۷	مانا
استقلال هیئت مدیره	BOI	۰/۰۰۰	۱۹/۳۸	مانا
سهامدار دارای حق کنترل	SRC	۰/۰۰۰	۶/۶۴	مانا
سن شرکت	AGE	۰/۰۰۰	۲۹/۱۹	مانا

جدول ۶- نتایج همبستگی بین متغیرهای مستقل و کنترلی

AGE	BIO	SRC	IO	EXP	OCF	GRO	SIZ	LEV	MA	
-۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۲۴	۰/۴۷	۰/۰۶	۰/۰۲	۱	MA
۰/۰۴	-۰/۰۳	۰/۰۵	-۰/۰۱	-۰/۰۳	-۰/۰۹	-۰/۰۱	-۰/۱۱	۱	۰/۰۲	OLEV
-۰/۱۶	-۰/۰۶	۰/۰۰	۰/۲۱	۰/۳۹	۰/۱۵	۰/۱۰	۱	-۰/۱۱	۰/۰۶	SIZE
-۰/۰۹	۰/۰۲	-۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۰۵	۱	۰/۱۰	-۰/۰۱	۰/۴۷	GROWTH
-۰/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۱۴	۰/۱۹	۱	۰/۰۵	۰/۱۵	-۰/۰۹	۰/۲۴	OCF
۰/۰۳	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۲۳	۱	۰/۱۹	۰/۰۲	۰/۲۹	-۰/۰۳	۰/۰۱	EXPORT
-۰/۰۹	-۰/۰۳	۰/۰۴	۱	۰/۲۳	۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۲۱	-۰/۰۱	۰/۰۲	IO
-۰/۰۵	-۰/۰۲	۱	۰/۴۲	۰/۰۴	۰/۰۹	۰/۰۵	-۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۵	SRC
-۰/۱۰	۱	-۰/۰۲	-۰/۰۳	۰/۱۱	۰/۰۹	۰/۰۲	۰/۰۶	-۰/۰۳	۰/۰۴	BOI
۱	-۰/۱۰	-۰/۰۵	-۰/۰۹	۰/۰۳	-۰/۰۹	-۰/۰۹	-۰/۱۶	۰/۰۴	-۰/۰۲	AGE

جدول ۷- نتایج آزمون اف. لیمر وهاسمن

نتایج آزمون هاسمن			نتایج آزمون اف. لیمر			فرضیه
نتیجه	احتمال	آماره	نتیجه	احتمال	آماره	
اثرهای ثابت	۰/۰۰۰۰	۴۵۲/۳	تابلویی	۰/۰۰۰۰	۳/۱۴۳	فرضیه سوم پژوهش

۸-۴- آزمون فرضیه‌های پژوهش

- **فرضیه اول:** توانایی مدیریت اثر معناداری بر کنترل بحران مالی درون سازمانی دارد. نتایج تجزیه و تحلیل مدل رگرسیون لجستیک فرضیه اول پژوهش به شرح جدول ۸ است. برای بررسی معناداری کل مدل از آماره LR استفاده می‌شود. با توجه به احتمال آماره LR محاسبه شده در جدول ۸ (معناداری مدل ۰/۰۰۰) معناداری مدل به تأیید می‌رسد. نتایج مدل نشان می‌دهد بین متغیر مستقل توانایی مدیریت و متغیر وابسته بحران مالی درون سازمانی رابطه معناداری وجود دارد، همچنین با توجه به

ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل (۳/۱۱۵-) می‌توان نتیجه گرفت رابطه منفی بین متغیر مستقل و وابسته برقرار است و با افزایش توانایی مدیریت، از شدت بحران مالی درون سازمانی کاسته می‌شود که این امر بیانگر آن است که مدیران توانایی کنترل بحران مالی درون سازمانی را دارند. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین مدل در نتایج برآورد شده مدل رگرسیونی فرضیه اول برابر با ۰/۱۰۹۳ است؛ به این معنا که حدود ۱۱ درصد رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود.

جدول ۸- نتایج آزمون معناداری مدل رگرسیون لجستیک فرضیه اول

$CRISIS_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MA_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 OCF_{it} + \alpha_6 AGE_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 BOI_{it} + \alpha_9 SRC_{it} + \varepsilon_{it}$					
معناداری	انحراف استاندارد	آماره z	ضرایب مدل	متغیرها	
۰/۰۰۰	۰/۹۵۹	-۳/۶۶۹	-۳/۵۱۷	مقدار ثابت مدل (α_0)	
۰/۰۱۵	۱/۲۸۱	-۲/۴۳۱	-۳/۱۱۵	توانایی مدیریت (MA)	
۰/۰۱۹	۰/۶۳۰	-۲/۳۵۰	-۱/۴۸۰	اهرم ($OLEV$)	
۰/۰۰۰	۰/۰۵۲	۳/۵۹۱	۰/۱۸۶	اندازه شرکت ($SIZE$)	
۰/۰۰۰	۰/۲۲۹	۵/۸۲۲	۱/۳۳۶	رشد فروش ($GROWTH$)	
۰/۰۰۰	۰/۷۱۲	-۶/۴۷۸	-۴/۶۱۳	وجه نقد عملیاتی (OCF)	
۰/۳۶۹	۰/۱۷۱	۰/۸۹۸	-۰/۱۵۴	صادرات ($EXPORT$)	
۰/۸۷۵	۰/۰۰۵	-۰/۱۵۸	-۰/۰۰۱	مالکیت نهادی (IO)	
۰/۰۰۳	۰/۱۷۲	۳/۰۰۸	۰/۵۱۸	سهامدار دارای حق کنترل (SRC)	
۰/۰۰۵	۰/۴۲۴	۲/۸۰۰	۱/۱۸۶	استقلال هیئت مدیره (BOI)	
۰/۶۸۸	۰/۱۴۶	-۰/۴۰۲	-۰/۰۵۹	سن شرکت (AGE)	
۰/۰۰۰۰	معناداری مدل		۰/۱۰۹۳	ضریب تعیین	
۸۵۸	تعداد مشاهدات		۱۲۱/۴۹	آماره LR	

- **فرضیه دوم:** توانایی مدیریت اثر معناداری بر احتمال وقوع تقلب دارد. نتایج تجزیه و تحلیل مدل رگرسیون لجستیک فرضیه دوم در جدول ۹ درج شده است. برای بررسی معناداری کل مدل از آماره LR استفاده می‌شود. با توجه به احتمال آماره LR محاسبه شده در جدول ۹ (معناداری مدل ۰/۰۰۰)، معناداری مدل به تأیید می‌رسد. نتایج مدل نشان می‌دهد بین متغیر مستقل توانایی مدیریت و متغیر وابسته احتمال گزارشگری متقلبانه رابطه معناداری وجود دارد، همچنین با توجه به ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل

(۳/۳۱۷-) می‌توان نتیجه گرفت رابطه منفی بین متغیر مستقل و وابسته برقرار است و با افزایش توانایی مدیریت، احتمال گزارشگری متقلبانه کاهش می‌یابد که این امر بیانگر آن است که مدیران توانا تر به سمت گزارشگری متقلبانه روی نمی‌آورند. بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین مدل در نتایج برآورد شده مدل رگرسیونی فرضیه اول برابر با ۰/۱۰۸۱ است؛ به این معنا که حدود ۱۱ درصد رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود.

جدول ۹- نتایج آزمون معناداری مدل رگرسیون لجستیک فرضیه دوم

$PROBM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MA_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 OCF_{it} + \alpha_6 AGE_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 BOI_{it} + \alpha_9 SRC_{it} + \varepsilon_{it}$				
معناداری	انحراف استاندارد	آماره z	ضرایب مدل	متغیرها
۰/۰۰۰	۰/۹۵۸	-۳/۶۳۳	-۳/۴۸۰	مقدار ثابت مدل (α_0)
۰/۰۱۱	۱/۲۹۹	-۲/۵۵۳	-۳/۳۱۷	توانایی مدیریت (MA)
۰/۰۲۲	۰/۶۳۳	-۲/۲۹۹	-۱/۴۵۵	اهرم ($OLEV$)
۰/۰۰۰	۰/۰۵۲	۳/۵۵۳	۰/۱۸۴	اندازه شرکت ($SIZE$)
۰/۰۰۰	۰/۲۳۰	۵/۸۵۰	۱/۳۴۸	رشد فروش ($GROWTH$)
۰/۰۰۰	۰/۷۱۴	-۶/۳۱۰	-۴/۵۰۸	وجه نقد عملیاتی (OCF)
۰/۲۹۸	۰/۱۷۲	-۱/۰۴۱	-۰/۱۷۹	صادرات ($EXPORT$)
۰/۹۱۸	۰/۰۰۵	-۰/۱۰۳	-۰/۰۰۱	مالکیت نهادی (IO)
۰/۰۰۲	۰/۱۷۲	۳/۰۵۰	۰/۵۲۵	سهامدار دارای حق کنترل (SRC)
۰/۰۰۷	۰/۴۲۴	۲/۷۰۱	۱/۱۴۴	استقلال هیئت مدیره (BOI)
۰/۶۹۸	۰/۱۴۶	-۰/۳۸۹	-۰/۰۵۸	سن شرکت (AGE)
۰/۰۰۰۰	معناداری مدل		۰/۱۰۸۱	ضریب تعیین
۸۵۲	تعداد مشاهدات		۱۱۹/۵۸	آماره LR

نشان می‌دهد بین متغیر مستقل توانایی مدیریت و متغیر وابسته مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد، همچنین با توجه به ضریب به دست آمده برای متغیر مستقل (۰/۴۵۸) می‌توان نتیجه گرفت رابطه مثبتی بین متغیر مستقل و وابسته برقرار است و با افزایش توانایی مدیریت، مدیریت سود افزایش می‌یابد، بنابراین فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده در نتایج برآورد شده مدل رگرسیونی فرضیه سوم برابر با ۰/۵۱۳۰ است؛ به این معنا که حدود ۵۱ درصد رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود که این امر بیانگر ارتباط بالای متغیر وابسته با متغیرهای مستقل و کنترلی است.

• **فرضیه سوم:** توانایی مدیریت اثر معناداری بر مدیریت سود دارد.

نتایج مربوط به تجزیه و تحلیل مدل رگرسیون خطی فرضیه سوم در جدول ۱۰ درج شده است.

برای بررسی معناداری کل مدل از آماره F استفاده می‌شود. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده در جدول ۱۰ (معناداری مدل ۰/۰۰۰) معناداری مدل به تأیید می‌رسد. برای بررسی برقرار بودن فرض عدم خودهمبستگی در نتایج معادله رگرسیونی، از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. با توجه به مقدار دوربین واتسون (۱/۹۹۴) می‌توان گفت بین باقی‌مانده‌ها خودهمبستگی نوع اول وجود ندارد. نتایج مدل

جدول ۱۰- نتایج آزمون معناداری مدل رگرسیون فرضیه سوم

$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MA_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 OCF_{it} + \alpha_6 AGE_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 BOI_{it} + \alpha_9 SRC_{it} + \varepsilon_{it}$				
معناداری	انحراف استاندارد	آماره t	ضرایب مدل	متغیرها
۰/۳۷۰	۰/۱۲۲	۰/۸۹۷	۰/۱۰۹	مقدار ثابت مدل (α_0)
۰/۰۰۰	۰/۰۵۵	۸/۳۵۲	۰/۴۵۸	توانایی مدیریت (MA)
۰/۹۱۳	۰/۰۳۳	-۰/۱۱۰	-۰/۰۰۴	اهرم ($OLEV$)
۰/۰۱۰	۰/۰۱۰	۲/۵۸۲	۰/۰۲۵	اندازه شرکت ($SIZE$)
۰/۸۴۴	۰/۰۰۹	-۰/۱۹۷	-۰/۰۰۲	رشد فروش ($GROWTH$)
۰/۰۰۰	۰/۰۳۳	-۳/۰۳۱	-۰/۹۹۶	وجه نقد عملیاتی (OCF)
۰/۸۴۰	۰/۰۱۶	۰/۲۰۲	۰/۰۰۳	صادرات ($EXPORT$)
۰/۷۱۶	۰/۰۰۱	-۰/۳۶۴	-۰/۰۰۱	مالکیت نهادی (IO)
۰/۱۸۲	۰/۰۲۰	-۱/۳۳۷	-۰/۰۲۶	سهامدار دارای حق کنترل (SRC)
۰/۳۶۳	۰/۰۲۸	-۰/۹۱۰	-۰/۰۲۶	استقلال هیئت مدیره (BOI)

$EM_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MA_{it} + \alpha_2 OLEV_{it} + \alpha_3 SIZE_{it} + \alpha_4 GROWTH_{it} + \alpha_5 OCF_{it} + \alpha_6 AGE_{it} + \alpha_7 IO_{it} + \alpha_8 BOI_{it} + \alpha_9 SRC_{it} + \varepsilon_{it}$				
معناداری	انحراف استاندارد	آماره t	ضرایب مدل	متغیرها
۰/۰۰۰	۰/۰۲۵	-۴/۶۲۲	-۰/۱۱۳	سن شرکت (AGE)
۰/۰۰۰۰	معناداری مدل		۰/۶۱۶۴	ضریب تعیین
۱/۹۹۴	دوربین واتسون		۰/۵۱۳۰	ضریب تعیین تعدیل شده
۸۵۸	تعداد مشاهدات		۵/۹۶۱	آماره F

۹- نتیجه‌گیری و بحث

از خود نشان می‌دهند. با توجه به این که مدیران با افزایش سطح توانایی‌های خود و در شرایط سخت مالی ممکن است به منظور پنهان نمودن عملکرد ضعیف شرکت دچار سقوط اخلاق حرفه‌ای شده و به گزارشگری متقلبانانه روی آورند ولی نتیجه فرضیه دوم پژوهش نشان داد که توانایی مدیریت اثر منفی و معناداری بر احتمال تقلب دارد و مدیران توانا هیچ برای جبران وضعیت‌های سخت مالی به سمت گزارشگری خدعه‌آمیز روی نیاورده‌اند.

در فرضیه سوم پژوهش اثر توانایی مدیریت را بر مدیریت سود بررسی کردیم. همان طور که بیان شد مدیریت سود دو جنبه مثبت و منفی دارد که جنبه مثبت مدیریت سود شامل فعالیت‌هایی است که در چارچوب قوانین حرفه‌ای قرار می‌گیرد. این در حالی است که جنبه منفی مدیریت سود می‌تواند جامعه فریب آمیزی بر تن کند و منجر به تقلب و گزارشگری خدعه آمیز شود. اما با توجه به این که در فرضیه دوم پژوهش اثبات شد که مدیران اقدام به گزارشگری متقلبانانه نکرده‌اند. بنابراین، جنبه مثبت مدیریت سود مد نظر قرار گرفته و این طور قلمداد می‌کنیم که با افزایش سطح توانایی مدیران جنبه مثبت مدیریت سود شرکتها افزایش می‌یابد که سبب افزایش کیفیت سود نیز می‌گردد.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌هایی پژوهش حاضر کمبود تحقیقات مشابه داخلی و خارجی در خصوص فرضیه‌های پژوهش می‌باشد که محقق را در مقایسه یافته‌های خود با محدودیت مواجه نموده است.

فهرست منابع

- * آشتاب، علی، حقیقت، حمید، کردستانی، غلامرضا (۱۳۹۶). مقایسه دقت مدل‌های پیش‌بینی بحران مالی و تأثیر آن بر ابزارهای مدیریت سود. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۴(۲)، ۱۴۷-۱۷۲.
- * ابراهیمی، سید کاظم، بهرامی نسب، علی، باغیان، جواد (۱۳۹۶). تأثیر کیفیت حسابرسی و رعایت حقوق سهامداران بر احتمال گزارشگری متقلبانانه، فصلنامه دانش حسابرسی، ۱۷ (۶۹): ۱۴۹-۱۲۵.

با وجود این که بحران‌های مالی موضوعات جدیدی نیستند و هر شرکتی بنا به دلایلی با بحران مالی مواجه می‌شود اما بروز هر بحران بویژه اگر بزرگ باشد، می‌تواند باعث از دست رفتن شهرت سازمان‌ها شده و سلطه آن‌ها را در بازارهای جهانی مورد تهدید قرار دهد. بنابراین، پژوهش حاضر با بررسی اثر توانایی مدیریت بر کنترل بحران مالی درون سازمانی در بازه زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ در پی پاسخ به این پرسش بود که آیا مدیران توانایی کنترل و هدایت بحران مالی را دارند؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا ممکن است مدیران برای بهبود عملکرد خود و تظاهر به خارج شدن از بحران مالی دچار سقوط اخلاق حرفه‌ای شوند و به گزارشگری متقلبانانه روی آورند؟

فرضیه اول پژوهش به بررسی اثر توانایی مدیریت بر کنترل و هدایت بحران مالی پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد بین توانایی مدیریت و شدت بحران مالی رابطه معکوسی وجود دارد. این بدان معناست که هرچه توانایی مدیران افزایش یابد از شدت بحران مالی درون سازمانی کاسته می‌شود و توانایی هدایت و کنترل بحران مالی برای مدیران افزایش می‌یابد. نتایج این پژوهش با تحقیق صورت گرفته توسط علی نژاد و تارقی (۱۳۹۶) که در آن بیان شد توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند منجر به مدیریت کارا تر عملیات روزانه شرکت، به‌ویژه در دوره‌های بحرانی عملیات گردد و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد، علی‌الخصوص در دوره‌ای که شرکت با بحران روبه‌رو است، مدیران توانا تر، تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت، همخوانی دارد.

اکنون با روشن شدن این مطلب که مدیران شرکتهای بحران زده مالی توانایی کنترل و هدایت بحران مالی درون سازمانی را دارند به سراغ قسمت دوم این پژوهش می‌رویم. در قسمت دوم پژوهش به بررسی این مطلب پرداختیم که آیا ممکن است مدیران برای بهبود عملکرد خود و تظاهر به خارج شدن از بحران مالی دچار سقوط اخلاق حرفه‌ای شده و به گزارشگری متقلبانانه روی آورده باشند؟ نتایج مطالعات فراوانی نشان می‌دهد مدیران در برخورد با تقلب واکنش‌های متفاوتی

- * ابراهیمی، سید کاظم، بهرامی نسب، علی، ممشلی، رضا (۱۳۹۵). تأثیر بحران مالی بر کیفیت سود. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۳(۴)، ۴۳۴-۴۱۵.
- * ابراهیمی، سید کاظم، بهرامی نسب، علی، ممشلی، رضا (۱۳۹۶). تأثیر بحران مالی بر کیفیت گزارشگری مالی. فصلنامه دانش حسابداری، ۸(۳)، ۱۴۱-۱۶۵.
- * اعتمادی، حسین، عبدلی، لیلیا (۱۳۹۴). هموارسازی سود و عملکرد قیمت سهام در بحران مالی. فصلنامه حسابداری مالی، ۷(۲۵)، ۱-۲۸.
- * اعتمادی، حسین، عبدلی، لیلیا (۱۳۹۵). محافظه‌کاری و عملکرد قیمت سهام در بحران مالی. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۵(۳)، ۱۳۳-۱۵۰.
- * بزرگ اصل، موسی، صالح زاده، بیستون (۱۳۹۴). رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش حسابرسی، ۱۴(۳)، ۱۵۳-۱۷۰.
- * تن برگ، دیودونیه، (۲۰۰۷). مدیریت بحران. ترجمه مهرانگیز یقین لو، مریم خلیلی عراقی، نشر حدیث، تهران. http://www.toluecrm.com/art_show?art_id=250
- * حسنی القار، مسعود، شعری، صابر (۱۳۹۶). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی. فصلنامه دانش حسابداری، ۸(۱)، ۱۰۷-۱۳۴.
- * خواجوی، شکراله، امیری، فاطمه السادات (۱۳۹۲). شناسایی مهمترین عوامل مؤثر در ورشکستگی شرکتها با استفاده از تکنیک TOPSIS-AHP. فصلنامه مطالعات تحریبی حسابداری مالی، ۱۱(۳۸)، ۶۹-۹۰.
- * سالم، علی اصغر، خطیبی، سمیه (۱۳۹۴). مقایسه کارایی بانکهای اسلامی و بانکهای سرمایه‌داری در بحران مالی و بحران اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۳(۷۵)، ۷۵-۱۰۲.
- * شمسایی، وحید (۱۳۹۲). مدیریت سود و تقلب در گزارشگری مالی: تشخیص نقاط تمایز توسط حسابرسان. مجله حسابرسان، ۶۴(۶۴)، ۱۱۴-۱۰۶.
- * صفرزاده، محمدحسین (۱۳۸۹). توانایی نسبت‌های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی: تحلیل لاجیت. مجله دانش حسابداری، ۱(۱)، ۱۳۷-۱۶۳.
- * علی نژاد، مهدی، بحرینی، مریم (۱۳۹۲). تأثیر سرمایه‌گذاران نهادی و تمرکز مالکیت بر فرصتهای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری مالی، ۵(۱۹)، ۹۱-۱۰۹.
- * علی نژاد، مهدی، تارقی، ستاره (۱۳۹۶). تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تأمین مالی. فصلنامه دانش حسابداری، ۸(۲)، ۱۵۹-۱۸۰.
- * کردستانی، غلامرضا، تاتلی، رشید (۱۳۹۵). پیش‌بینی دستکاری سود: توسعه یک مدل. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۳(۱)، ۷۳-۹۶.
- * دلخوش، محمد، فرخی، زهره، (۱۳۹۵). نقش توانایی مدیریت در پیش‌بینی بحران مالی. مجله علمی تخصصی علوم انسانی اسلامی، ۱(۱۲)، ۱۷۵-۱۸۳.
- * سام، بهنام، لاتی، مجتبی، ناظریان، سعید، حلیمی، صورا (۱۳۹۱). بررسی نقش کرامت انسانی، بحران مالی و مدیریت بحران در سازمان. همایش منطقه ای نقش مدیریت و حسابداری در تعالی سازمان‌ها و حل بحران‌های مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس.
- * شریعت پناهی، مجید، سهرابی، محسن (۱۳۸۵). ارائه مدلی جهت پیش‌بینی بحران مالی در شرکتهای ایرانی. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۴(۱۶)، ۱۹-۴۱.
- * مشایخی، بیتا، سیدی، سیدجلال (۱۳۹۴). رابری شرکتی و اجتناب مالیاتی. مجله دانش حسابداری، ۶(۲۰)، ۸۳-۱۰۳.
- * منصورفر، غلامرضا، دیدار، همزه، حسین‌پور، وحید (۱۳۹۴). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق تهران. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، ۷(۱)، ۳۷-۵۴.
- * وکیلی فرد، حمیدرضا، جبارزاده کنگرلوئی، سعید، پوررضا سلطان احمدی، اکبر (۱۳۸۸). بررسی ویژگی‌های تقلب در صورت‌های مالی، نشریه حسابداری، سال ۲۴(۲۱)، ۴۱-۳۶.
- * Beneish, M. D. (1999). The Detection of Earnings Manipulation. *Financial Analysts Journal*, 55 (5), 24-36.
- * Demerjian, P.; Lev, B.; and S. McVay (2012). "Quantifying Managerial Ability: A New Measure and Validity Tests", *Management Science*, 58(7), 1229-1248.
- * Demerjian, P.; Lev, B.; Lewis, M.; and S. McVay (2013). "Managerial Ability and Earnings Quality", *The Accounting Review*, 88(2), 463-498.
- * Jantadej, P. (2006). Using the Combination of Cash Flow Components to Predict Finance Distress. Ph.D. Thesis. The Graduate College at the University of Nebraska.
- * Wang, Z.; Chen, M.; Chin, C. and Zheng Q. (2017). Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China. *J. Account. Public Policy*, 36 (2): 141-162